

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم  
سال پنجم (۱۳۹۴)، شماره دوازدهم

### معناشناسی امنیت فردی در قرآن کریم

اعظم پرچم<sup>۱</sup>

سمیه عمادی اندانی<sup>۲</sup>

لاله‌زار حاتمی<sup>۳</sup>

### چکیده

امنیت یکی از موضوع‌های قابل توجه در قرآن است. این موضوع در مقاله پیش‌رو، با روش معناشناسی واژگانی، بررسی و میدان معنایی واژگان مرتبط با امنیت فردی با توجه به سیاق آیات و روابط هم‌نشینی و جانیشینی کلمات در آیه‌ها، ترسیم شده است. این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که حوزه مفهوم امنیت فردی در قرآن چیست و معناشناسی چگونه به تبیین مفهوم امنیت کمک می‌کند؟ با نگاهی به روابط درون‌متنی آیات مرتبط با امنیت فردی و توجه به میدان معنایی آن، روشن می‌شود که امنیت فردی در دنیا و آخرت در گرو ایمان حقیقی به خدا و معرفت نسبت به اوست و آدمی باید در راستای ایمان، در گسترش امنیت در ناحیه فردی و اجتماعی آن کوشا باشد. به عنوان نمونه، هم‌نشینی عبارت‌های ﴿وَقَدْ هَدَانَا﴾، ﴿وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ﴾ و ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ﴾ با امنیت و عبارت ﴿أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ در سیاق کلمات آیات ۸۰-۸۲ سوره مبارکه انعام، نشان می‌دهد امنیت در دنیا و آخرت از نگاه حضرت ابراهیم (ع) و مؤمنان، از طریق ایمان به خدای یگانه، دوری از هرگونه ظلم و شرک خفی و جلی حاصل می‌شود و آنها امنیت را این گونه در زندگی خود گسترش دادند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، معناشناسی، جانیشینی، هم‌نشینی، امنیت.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) // A.Parcham88@yahoo.com

۲. دکترای علوم قرآن و حدیث از دانشگاه اصفهان و مدرس دانشگاه / S.Emadi64@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان / 1.Hatamy@gmail.com

## ۱- طرح مسأله

معناشناسی (semantic) یکی از روش‌های نوین تحقیق و پژوهش در قرآن کریم است. در مقاله حاضر، موضوع امنیت با توجه به مؤلفه‌های مطرح در این دانش و با روش معناشناسی واژگانی و با توجه به سیاق و روابط هم‌نشینی و جانشینی مورد توجه قرار گرفته است. معناشناسی واژگانی، برای نخستین بار در مکتب معنایی بُن در آلمان، توسط لئو وایزگربر (Leo Weisgerber) طراحی و در مراحل بعد، با طلایه‌داری توشیهیکو ایزوتسو (Toshihiko Izutsu) در تحقیقات قرآنی حضور یافت (ایزوتسو، ۱۳۶۰، ص ۵). این مکتب سعی دارد از طریق تحقیق در کلمات قرآن، طرز نگرش قرآن را کشف کند. در این روش، کلماتی که نقش قطعی در ساختن جهان‌بینی قرآن دارد، «کلمات کلیدی قرآن» خوانده می‌شود. هر کدام از کلمات کلیدی قرآن دارای زیرمجموعه‌هایی هستند که با آن کلمه کلیدی در ارتباط‌اند (ر.ک. ایزوتسو، ۱۳۶۱، صص ۱-۲۶). مکتب لندن، مشهور به رویکرد بافتی (operational Approach)، تأکید زیادی بر بافت و سیاق واژگان دارد. طرفداران آن معتقدند که «معنا» تنها از خلال قرار گرفتن در «بافت»، کشف می‌شود. در نتیجه، دریافت معانی کلمه‌ها، تحلیلی از بافتهای زبانی، عاطفی، موقعیتی و فرهنگی را می‌طلبد (ر.ک. مختار عمر، ۱۳۸۵، صص ۶۵-۶۶/ پالمِر، ۱۳۶۶، صص ۱۵۶-۱۶۰/ سلوی محمد، ۱۳۸۲، ص ۷۰).

روابط جانشینی (paradigmatic) به گزینش و نسبت‌های همانندی کلمات، در یک گفته، عبارت و یا جمله، مربوط است و روابط هم‌نشینی (sintagmatic) به ترکیب و نسبت‌های همجواری کلمات، مربوط است. به عبارت دیگر، روابط هم‌نشینی به ارتباط یک عنصر زبانی با سایر عناصر تشکیل دهنده زبان می‌پردازد و اصطلاح جانشینی، رابطه یک عنصر با سایر عناصری است که می‌توانند به جای آن به کار برده شوند (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۴۱/ پالمِر، همانجا/ بارت، ۱۳۷۰، ص ۶۳).

علاوه بر امنیت، واژگان دیگری نیز در قرآن مطرح است که در حوزه معنایی این واژه قرار می‌گیرد، واژگانی نظیر: طمأنینه، اطمینان، نشاط و شادمانی و فراغ خاطر. در مقاله حاضر به جهت جلوگیری از اطاله بحث تنها به بررسی واژه امنیت در قرآن بسنده شده است. در منابع لغوی و در قرآن مجید، «امنیت» در مقابل «خوف» قرار می‌گیرد، از این رو، می‌توان گفت موضوع آیاتی که در آن خوف نفی شده باشد امنیت است. به همین دلیل در مقاله پیش‌رو، علاوه بر امنیت، به آیاتی که در آنها از خوف نفی گردیده نیز توجه مبذول شده است. امنیت و آرامش از جمله موضوع‌هایی است که در زمینه‌های مختلفی مطرح است و تنها خاص یک حوزه نیست؛ از جمله:

امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی و امنیت حقوقی. رویکرد مقاله پیش‌رو بررسی امنیت فردی در دنیا و آخرت است.

«امنیت فردی» حالتی است که در آن فرد، فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا از دست دادن آنها، زندگی کند (آشوری، ۱۳۶۶، ص ۳۸). با حصول امنیت فردی برای تک‌تک افراد اجتماع، سایر اقسام امنیت، به ویژه امنیت اجتماعی، خود به خود، حاصل می‌شود؛ زیرا از آنجا که امنیت افراد اجتماع از امنیت فردی تک‌تک افراد ساخته می‌شود، حصول امنیت فردی شخص در اجتماع، زیرساختی برای شکل‌گیری امنیت اجتماعی محسوب می‌شود.

در تبیین مفهوم امنیت و چگونگی گسترش و پیدایش آن، به دو بعد «رفتار» و «اندیشه» توجه شده است. اندیشه درست، مبنای رفتار درست محسوب می‌شود و یک اندیشه صحیح باید منجر به رفتاری صحیح شود. به عنوان نمونه، در آیه (کهف: ۱۸/۱۱۰)، آورده شده که کسانی که به آخرت ایمان داشته باشند، باید این اندیشه خود را در رفتار نیز نشان دهند. فردی که آخرت را باور دارد باید عمل صالح انجام دهد و هرگز برای خداوند، شریک قرار ندهد: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾. امنیت فردی، زمانی برای او حاصل خواهد شد که بر مبنای اندیشه‌های صحیح، رفتارهای درست داشته باشد در غیر این صورت، امنیت او تبدیل به ناامنی در دنیا و آخرت خواهد شد.

در جهت بررسی امنیت با روش معناشناسی، در مقاله حاضر، ابتدا با نظر به کلمات هم‌نشین واژه امنیت در آیات قرآن و سیاقی که این کلمه در آن، مطرح گردیده، آیات مورد نظر گزینش شده است و سپس منتخبی از آراء تفسیری ذیل آن آورده شده و در نهایت، ذیل هر یک از آیات، نتیجه آیه با نظر به کلمات هم‌نشین و جانشین و سیاق، ارائه شده است. پس از بررسی آیات منتخب و در پایان پژوهش، میدان معنایی امنیت که شامل کلمات و یا موضوع‌هایی است که با آن مرتبط‌اند، مشخص شده است.

## ۲- واژه «امنیت» در لغت

واژه امنیت از ریشه «أ م ن» گرفته شده است. اهل لغت «أ م ن» را به سکون و رفع خوف، وحشت و اضطراب معنا کرده‌اند (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، صص ۹۰-۹۲/ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، صص ۱۴۲-۱۵۲). در مقابل امنیت، «خوف» قرار دارد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، صص ۳۸۸-۳۸۹) که به معنای وحشت و اضطراب و فزع و بی‌تابی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، صص ۲۱-۲۷).

در نگاه عرب جاهلیت، مفهوم امنیّت تنها در چهار ماهی خلاصه می‌شد که جنگ در آن حرام بود. برای او کافی بود که آسایش و رفاه زندگی و رزق و روزی خانواده‌اش فراهم باشد تا در سکون و آرامش به سر ببرد. قرآن برای اولین بار مفهوم امنیّت را در سطحی عمیق‌تر به کار برد و آن را در کنار ایمان به خدای یگانه مطرح کرد (واعظ زاده، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۶۷۸)

### ۳- واژه «امنیت» در قرآن

واژه امنیّت و مشتقات آن در سیاق‌های متعدد آیات قرآن کریم و لایه‌های متفاوتی از آن مطرح شده است که در دسته‌های زیر بدان خواهیم پرداخت:

الف) این واژه در برترین لایه خود، پیوندی تام با اندیشه توحیدی دارد؛ چنانکه با نظر به سیاق آیات قرآن، مشخص می‌شود که امنیّت واقعی با اندیشه توحیدی حاصل می‌شود (انعام: ۶/۸۱-۸۲).

ب) امنیّت در یکی از مراتب بالای خود در قرآن، همنشین خانه خدا شده و در آیاتی، موضوع امنیّت خانه خدا (کعبه) خاطر نشان شده است (ابراهیم: ۱۴/۳۵؛ بقره: ۲/۱۲۶؛ آل عمران: ۳/۹۷).

ج) امنیّت در لایه‌ای دیگر در سیاق سخن گفتن از پیامبران قرار گرفته است، به عنوان نمونه، «امین» که به شخصی گفته می‌شود که صفت «امن» در او وجود دارد در آیات قرآن، یکی از اوصاف رسولان الهی است (اعراف: ۷/۶۸؛ شعراء: ۲۶/۱۰۷).

د) امنیّت و مشتقات آن، علاوه بر این که در کنار سخن گفتن از پیامبران مطرح شده، به افراد وارسته دیگر، نظیر اولیای الهی و تقوای پیشگان و انسان‌های با ایمان نیز تعلق گرفته است (حجر: ۱۵/۴۶؛ فصلّت: ۴۱/۴؛ یوسف: ۱۲/۹۹؛ یونس: ۱۰/۶۲-۶۳).

ه) در لایه‌ای دیگر، از «امنیت کاذب»، سخن به میان آمده است. امنیّت کاذب، محصول اندیشه‌های نادرست انسان‌های غافلی است که گرفتار دام شرک و کفر شده‌اند. به عنوان نمونه، کافران نسبت به آخرت، بی‌توجه هستند و نه تنها از این بی‌توجهی، هیچ هراسی به دل راه نمی‌دهند، بلکه نفسشان نیز مطمئن و آرام است و چون آنان از چیزی که باید هراسناک باشند بیمی ندارند، خود را در ورطه امنیّت کاذب قرار داده‌اند که نتیجه‌ای جز خسران به دنبال نخواهد داشت (ر.ک. مدثر: ۷۴/۵۳).

و) در آیات قرآن، علاوه بر امنیّت، از ناامنی درون و عوامل آن نیز سخن به میان آمده است. به عنوان نمونه، لغزش‌هایی همچون دچار غفلت شدن و پرداختن به امور بیهوده و به جا نیاوردن

شکر نعمت‌های الهی، امنیت درون را از انسان سلب می‌کنند (نحل: ۱۱۲ / ۱۶؛ اعراف: ۷ / ۹۷-۹۹). در ادامه، با بررسی امنیت بر مبنای عبارات هم‌نشین و جانشین و میدان معنایی آن در آیات قرآن، پیوستگی امنیت با مفاهیم متعالی از قبیل ایمان، تقوی و ولایت در آیات قرآن نشان داده می‌شود.

### ۳-۱- واژگان هم‌نشین با واژه «امنیت»

#### ۳-۱-۱- هم‌نشینی امنیت با «هدایت» و «ایمان» به خدای یگانه

در آیات ۸۰ تا ۸۲ سوره انعام چنین آمده است: ﴿وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾: «و قومش با او به ستیزه پرداختند. گفت: «آیا با من در باره خدا محاجه می‌کنید و حال آنکه او مرا راهنمایی کرده است؟ و من از آنچه شریک او می‌سازید بیمی ندارم، مگر آنکه پروردگارم چیزی بخواهد. علم پروردگارم به هر چیزی احاطه یافته است. پس آیا متذکر نمی‌شوید؟» و چگونه از آنچه شریک [خدا] می‌گردانید بترسم، با آنکه شما خود از اینکه چیزی را شریک خدا ساخته‌اید که [خدا] دلیلی درباره آن بر شما نازل نکرده است نمی‌هراسید؟ پس اگر می‌دانید، کدام یک از [ما] دو دسته به ایمنی سزاوارتر است؟ کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند».

مشرکان می‌خواستند تا حضرت ابراهیم (ع) را در ربوبیت بت‌ها و نفع و ضرر رساندن آنها در امور مربوط به دنیا، از قبیل فرزندان و اموال، قانع کنند، ولیکن آن پیامبر (ع) در جواب، به ایشان فرمود که خداوند مرا هدایت کرده است. به همین دلیل، از آنچه شما برای خدا شریک قرار می‌دهید، هراسی ندارم (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۷، صص ۱۹۱-۱۹۵ نیز ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۳۵۶).

در صدر آیه ۸۱ از آیات فوق، حضرت ابراهیم (ع) به مخاطبان خود می‌گوید: لازم نیست در آنچه امر به ترسیدن از آن می‌کنید بترسم؛ زیرا شما هیچ دلیلی بر نفع و ضرر رساندن آنها بر من ندارید. با توجه به این که بت پرستان، دلیلی بر شرکشان ندارند، این موحدان هستند که سزاوار امنیت و آرامش‌اند؛ زیرا با ادله یقینی، معرفت به توحید پیدا کرده‌اند. ویژگی طایفه سزاوار امنیت

از نگاه قرآن، آن است که به پروردگارشان ایمان دارند و هرگز ایمانشان را با ظلم آلوده نمی‌کنند؛ یعنی هیچگاه، راه اعتدال و میانه‌روی را رها نمی‌کنند و همواره، در صراط مستقیم قرار دارند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۹۸/ ر.ک. شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۷۸۵/ حسینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۱۹/ نسفی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۶۱/ گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۳۸).

از نگاه آیات قرآن، ایمان به خداوند نخستین گام بزرگ برای ایجاد تغییرات بزرگ در شخصیت آدمی است، زیرا ایمان نیروی عظیم معنوی در انسان به وجود می‌آورد که نوع برداشت شخص را از زندگی و کل هستی تغییر می‌دهد و او را به مفهومی جدید از زیستن و رسالت و مسئولیتش در آن، معتقد می‌سازد و قلبش را از محبت خداوند متعال و رسول گرامی اسلام و دوستدارانش - و حتی کل بشریت - مالا مال می‌کند و نوعی از احساس امنیت و آرامش را در او برمی‌انگیزد (نجاتی، ۱۳۶۷، ص ۳۵۳).

آرامش، استقرار و امنیت نفس برای شخص مؤمن، محقق می‌شود، زیرا ایمان راستینش به خداوند او را به کمک و حمایت و نظر لطف الهی امیدوار می‌کند. چنین بنده‌ای بویژه در عبادات و اعمالی که برای رضای خدا انجام می‌دهد، همراهی خدا را با خود احساس می‌کند و همین احساس مؤمن که خدا را یاور اوست ضامن استقرار امنیت و آرامش در نفس او می‌باشد (نجاتی، ۱۳۶۷، ص ۳۳۸/ نیز ر.ک. شرقاوی، ۱۳۶۸، ص ۳۵۲).

ایمان دارای مراتب مختلفی از شدت و ضعف است. مرحله آغازین آن، پذیرش قلبی دین اسلام است و مراحل بعدی آن رسوخ ایمان و باور خدای یگانه در جان و دل که خود، دارای درجاتی است. انسان باید در مقابل دستورات رسیده از جانب خدا، تسلیم باشد تا به تدریج، به ایمان در مراتب بالا دست یابد (امین، ۱۳۶۱، ج ۱، صص ۹۰-۹۳/ نیز ر.ک. طیب، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۱۳۶-۱۳۳).

هم‌نشینی امنیت با هدایت و ایمان و شریک قرار ندادن برای خداوند در سیاق کلمات (انعام: ۸۰-۸۲)، این نتیجه را به همراه دارد که نعمت امنیت فردی در دنیا و آخرت به دنبال رفتاری حاصل می‌شود که در راستای اندیشه‌ای صحیح باشد. خداوند به ابراهیم (ع) و مؤمنان، امنیت درون عطا کرده است؛ به این دلیل که آنها با رسوخ دادن اندیشه توحیدی در عمق جانیشان، رفتار مناسب از خود نشان می‌دهند هرگز برای خداوند شریک قرار نمی‌دهند.

در سیاق آیه ۸۰ سوره فوق، هدایت الهی و عدم ترس از ضرر رسیدن از طرف شریکان خداوند با امنیت هم‌نشین شده است و این هم‌نشینی روشن‌کننده این مطلب است که امنیت در امور مربوط به دنیا زمانی برای انسان حاصل می‌شود که او به هدایت الهی دست یافته باشد.

حضرت ابراهیم (ع) با موهبت دستیابی به اندیشه توحیدی و شناخت خداوند به یگانگی، هیچ هراسی از غیر خدا ندارد؛ زیرا براساس اندیشه توحیدی او، هیچ قدرتی غیر از خدای یگانه وجود ندارد تا بخواهد به او آزاری برساند. از همین رو، او در دنیا و آخرت در امنیت مطلق به سر می‌برد.

### ۳-۱-۲- هم‌نشینی امنیت با اولیاءالله

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ (یونس: ۱۰/۶۲-۶۳)؛ «آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده‌اند». ولایت در اصل، به معنای برطرف شدن واسطه بین دو چیز است به گونه‌ای که بین آنها واسطه‌ای از غیر نباشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۷۰). هر گاه گفته می‌شود بنده‌ای «ولی» خداست، به این معناست که همیشه و در همه حال، فرمانبر پروردگار خویش است و قدمی برخلاف رضای خدا بر نمی‌دارد.

یکی از ویژگی‌های اولیای الهی این است که خوف و حزن در آنان راه ندارد. تحقق پیدا کردن خوف و اندوه زمانی قابل تصور است که آدمی برای خود، مالکیت و یا حقّی نسبت به آن چیزی که از آن خوف و اندوه دارد قائل باشد؛ مانند مال، فرزند و مقام. اولیای الهی مالک حقیقی همه هستی و تک‌تک موجودات را تنها و تنها خدا می‌دانند و خود را مالک چیزی نمی‌شمرند. به همین دلیل، با از دست دادن یا به دست آوردن چیزی از دنیا گرفتار خوف یا اندوه نمی‌شوند. در ادامه آیات، از ویژگی‌های دیگر اولیای الهی یاد شده است که اهل ایمان و دارای تقوای مستمر هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۹۰/ نیز ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۳۹۱-۳۹۳/ طیب، ۱۳۷۸، ج ۶، صص ۴۱۶-۴۱۷).

در این آیات، اولیای الهی با «امنیت»، «تقوا» و «ایمان» هم‌نشین شده‌اند. با نظر به این هم‌نشینی، راه حل دستیابی به امنیت در دنیا مشخص می‌شود. اگر کسی بخواهد خیالی آسوده نسبت به امور دنیا داشته باشد، باید رفتاری صحیح داشته باشد که قطعاً، سرچشمه گرفته از اندیشه‌ای صحیح است؛ چنانکه این موضوع در سیاق آیه مورد بررسی با اشاره به ایمان و تقوای اولیای الهی، روشن شده است؛ اولیای الهی در همه حال، مطیع اوامر پروردگار هستند و این تقوای آنها از اندیشه درست ایشان که خدا را به یگانگی شناخته‌اند منتج شده است.

اولیای الهی از ورای دستورات خداوند، به این نتیجه رسیده‌اند که سود و ضرر مربوط به دنیا، ماندنی معطوف نیست و از بین خواهد رفت. آنها از آنجا که توجه خود را صرف مسائل

مهمتر از جمله امور مربوط به آخرت می‌کنند، کمتر نسبت به مسائل مربوط به دنیا نگران هستند. از طرف دیگر، ایمان به خدا در سطحی بالا و ولیّ خدا شدن باعث می‌شود شخص در همه امور از جمله، امور مربوط به دنیا، از خدا کمک بطلبد و در کارهایش، به او توکل کند و این دعا و توکل منجر به کسب آرامش و احساس امنیت درون او می‌شود.

### ۳-۱-۳- هم‌نشینی امنیت کاذب با کافران

﴿كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ﴾ (مدثر: ۵۳/۷۴)؛ «اما نه چنان است! که از آخرت نمی‌ترسند». در سیاق آیات ۴۹-۵۶ این سوره، بعد از آن که از وعده و وعید پروردگار در حق دو گروه حق و باطن سخن رفته است، از اعراض کفار از قرآن و تنفرشان از حق صریح و آشکار، اظهار تعجب می‌شود؛ زیرا عکس‌العمل عقلانی در برابر این همه نعمت، پس از روشن شدن وعد و وعیدهای خداوند، اجابت دعوت حق است.

آنان از قرآن رویگردان بودند، به این دلیل که رسالت پیامبر (ص) را نپذیرفته بودند و انتظار داشتند که وحی الهی عوض نزول بر یک تن، بر تک‌تک ایشان فرود آید. خداوند در این آیه، سبب سرکشی این گروه و متذکرنشدن آنان را توجه نکردن به آخرت می‌داند. توقع نزول کتاب یک بهانه است تا خود را از قید دعوت دین رها سازند. علت اصلی کفر و تکذیب رسالت پیامبر (ص) آن است که نگران امور اخروی خود نیستند و اگر نگران بودند ایمان می‌آوردند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص ۲۸/ نیز ر.ک. امین، ۱۳۶۱، ج ۱۴، ص ۱۹۹/ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۴۰/ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۲، صص ۲۹۱-۲۹۲).

در سیاق کلمات آیه، خصیصه عدم نگرانی در ارتباط با امور آخرت با گروه کافران هم‌نشین شده است. نگران نبودن حکایت از امنیت دارد و چون آنان در مورد چیزی که باید نگران باشند، بیمی ندارند و نفسشان مطمئن است، خود را در ورطه امنیتی کاذب قرار داده‌اند که نتیجه‌ای جز خسران به دنبال نخواهد داشت. این احساس امنیت آنها سرچشمه گرفته از نقصان اندیشه ایشان در امور و آیات جهان آفرینش است. امنیت خاطر انسان در دنیا از آخرت و سرنوشت نهایی که در نتیجه بی‌توجهی بدان به وجود آمده باعث می‌شود که شخص در نافرمانی از خدا در دنیا، جسور شود و رفتارهای نامناسبی از خود نشان دهد و در نتیجه، از امنیت راستین خود در دنیا و آخرت، فاصله بگیرد. این نوع از امنیت که می‌توان آن را امنیت کاذب نامید از نگاه قرآن، نکوهش شده است.

### ۳-۱-۴- هم‌نشینی کفران نعمت‌های الهی با ناامنی

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (نحل: ۱۱۲ / ۱۶)؛ «و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.»

خداوند در این آیه، شرحی از احوال قریه‌ای را می‌دهد که تمام احتیاجات ساکنان آن را تأمین می‌کرد، به گونه‌ای که جان، مال و ناموس آنها در امنیت کامل بود. آنان به دلیل وجود همین نعمت سکون و آرامش، مورد توجه سرزمین‌های اطراف قرار گرفتند و در نتیجه تجارت و نفع حاصل از آن، رزق و روزی آنها فراوان شد. آنگاه، آنان از دهنده نعمت غافل شدند و به نعمت‌های او کفر ورزیدند و در برابرش، سرکشی و طغیان در پیش گرفتند. نتیجه آن شد که پروردگار نعمت را تبدیل به نعمت نمود. کافران به خدا توجه نکردند و در نتیجه، خداوند عذاب جسمانی و روحی خود را به آنها چشاند. مقصود از عذاب جسمانی، گرسنگی و منظور از عذاب روحی، ترس و ناامنی است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، صص ۳۶۲-۳۶۳/ نیز ر.ک. شبر، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۷۷/ طیب، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۱۹۹/ قشیری، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۴/ گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۲۸).

در صدر آیه، صفت امنیت یادآوری شده و از میان نعمت‌های گوناگون که خداوند به این سرزمین ارزانی داشته، در سیاق آیه، جانشین همگی شده است و این گزینش از آن روست که امنیت نعمتی است که باعث زایش نعمت‌های فراوان دیگر می‌شود؛ چنانکه در آیه اشاره شده که امنیت آنها باعث شده بود تا مورد توجه قریه‌های دیگر قرار گیرند و در نتیجه، رزق و روزی آنها فراوان شود. از هم‌نشینی موضوع‌های «امنیت»، «کفران نعمت» و «ناامنی و وحشت»، این نتیجه به دست می‌آید که یکی از دلایل پراهمیت و تأمل برانگیز ریزش نعمت، همان رفتار ناشایست کفران نعمت است که به دنبال شکل نگرفتن اندیشه توحیدی و فقدان ایمان به خدای یگانه در وجود شخص کافر به وقوع می‌پیوندد.

با توجه به سیاق کلمات آیه، باید گفت که امنیت درون انسان‌ها و آسایش افراد، ارتباط تنگاتنگی با ایمان به خدا و شکر نعمت‌های او دارد و طریق حفظ امنیت فردی و اجتماعی در

زندگی دنیا، توجه به منعم و شکر نعمت است که با در نظر گرفتن خدای یگانه و ایمان به او حاصل می‌شود.

۳-۱-۵- هم‌نشینی افکنده شدن در آتش با سلب امنیّت و افتادن در ورطه وحشت  
﴿إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَمْ يَلْقَى فِي النَّارِ خَيْرًا أَمْ مِنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (فصلت: ۴۱/ ۴۰)؛ «کسانی که در [فهم و ارائه] آیات ما کژ می‌روند بر ما پوشیده نیستند. آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که روز قیامت آسوده‌خاطر می‌آید؟ هر چه می‌خواهید بکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست». خداوند خطاب به منحرفان، چنین می‌گوید که هیچ‌گونه انحرافی از نگاه خداوند پنهان نمی‌ماند و همه چیز مسطور خواهد شد و در ادامه، با بیان اینکه سرانجام ملحدان، آتش است و فرجام مؤمنان، امنیّت و بهشت، انسان‌ها را در آخرت به دو طایفه تقسیم می‌کند؛ طایفه‌ای که به آیات الهی ایمان دارند و گروهی که به انکار آیات الهی می‌پردازند. از نگاه قرآن، برتری گروه مؤمن بر گروه ملحد، واضح و مسلم است؛ چنانکه در سیاق استفهام انکاری، از مخاطبان می‌خواهد تا خود در این رابطه، قضاوت کنند. در ذیل آیه نیز تهدید قبلی را تشدید می‌کند و آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد که خدا بر هر چه می‌کنید ناظر است و همه را ثبت خواهد کرد (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۷، ص ۳۹۶-۳۹۷/ نیز ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۴۱۷/ قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۳۵۰).

سلب امنیّت در آیه با الحاد و افتادن در آتش جهنّم، هم‌نشین شده است. ملحدان، آیات الهی را انکار می‌کنند و این رفتار آنها از آنجا نشأت می‌گیرد که نسبت به پروردگار خود، شناخت و اعتقاد درستی ندارند و به او ایمان نیاورده‌اند و از همین رو، نتیجه عمل آنها جز افتادن در آتش و سلب امنیّت نخواهد بود. فقدان اندیشه صحیح نسبت به پروردگار و در نتیجه، ایمان نیاوردن به او منجر به سرکشی در پیشگاه حضرت حق می‌شود و نتیجه این نافرمانی سلب امنیّت شخص در آخرت است.

### ۳-۲- واژگان جانشین در سیاق سخن از «امنیت»

#### ۳-۲-۱- جانشینی تقوا در سیاق سخن از امنیّت الهی

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ لَا يُمَسَّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَ مَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ﴾ (حجر: ۴۵-۴۸)؛ «بی‌گمان،

پرهیزگاران در باغها و چشمه‌سارانند. [به آنان گویند:] با سلامت و ایمنی در آنجا داخل شوید. و آنچه کینه [و شایبه‌های نفسانی] در سینه‌های آنان است برکنیم، برادرانه بر تختهایی روبروی یکدیگر نشسته‌اند. نه رنجی در آنجا به آنان می‌رسد و نه از آنجا بیرون رانده می‌شوند».

در سیاق آیات فوق، هشت پاداش بهشتی برای اهل تقوی بیان شده است که شامل: باغها، چشمه‌ها، سلامتی، امنیت، کدورت زدایی، اخوت، نشستن رو به روی یکدیگر، دوری از هرگونه رنج و نیز جاودانگی می‌شود. تقوا به معنای پیروی از اوامر و نواهی خداوند و عدم مخالفت با رسول خداست (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۷۴/ نیز ر.ک. گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۵۲). تقوای پیشگان در آخرت، در سلامتی و امنیت کامل خواهند بود. «سلام» در آیه ۴۶ اشاره به صحت و سلامتی جسمی و روحی آنها دارد و ایمن بودن ایشان بدین معناست که از عذاب الهی و غضب پروردگار و سخط خداوند در امان‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۱۷۰/ نیز ر.ک. میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۲/ قشیری، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۳/ طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۵۲۰).

در دو آیه بعد، امنیت را بتفصیل، بیان می‌کند که اهل بهشت از ناحیه نفس و درویشان، در امنیت هستند، چنانکه هیچ‌گونه کینه و حسدی در دل‌های آنها وجود ندارد. بعلاوه، آنان از ناحیه پروردگارشان نیز ایمن هستند و خداوند هرگز آنان را از بهشت اخراج نمی‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۲۷۳/ نیز ر.ک. ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۵۵/ طیب، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۴۵/ حسینی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۲۱۷).

در سیاق آیه از میان ویژگی‌های مختلف انسان مؤمن، صفت «تقوا» جانشین شده و با «امنیت» هم‌نشین شده است. این جانشینی و هم‌نشینی یک برنامه عملی برای دستیابی به امنیت را - که با توجه به سیاق آیه مورد بحث مربوط به آخرت است - نشان می‌دهد. متقین کسانی هستند که تسلیم محض اوامر مولایشان هستند و امنیت مقامی است که با دستیابی به آن، روان و درون آدمی از هرگونه تشویش و نگرانی خالی می‌شود.

امنیت به عنوان پاداش در نظر گرفته شده برای این گروه، نتیجه‌ای است که از اعتقاد و عمل آنها حاصل شده است؛ این طبیعی است که هر کسی که خدای خود را به درستی بشناسد و در برابر دستورات خداوند تسلیم باشد، در دنیا و آخرت مطمئن و آرام است و در نتیجه، در امنیت کامل به سر می‌برد و از چیزی نمی‌هراسد؛ زیرا او می‌داند که قدرت خدا از همه بیشتر است و هر قدرتی از او سرچشمه می‌گیرد.

### ۳-۲-۲- جانشینی انفاق در سیاق سخن از امنیت درون

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره: ۲ / ۲۷۴)؛ «کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند». سیاق آیات در ارتباط با انفاق است و از اجر و پاداش بزرگ در نظر گرفته شده برای ایشان سخن رفته است (طباطبائی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۸۲). در آیه مورد بحث بیان شده است که آنانی که دارایی‌های خود از قبیل اموال، اولاد، علم، آبرو و مقام را در شب و روز انفاق می‌کنند، درحالی که گاهی انفاق خود را پنهان داشته و گاهی اظهار می‌کنند، اجر و پاداش ایشان نزد خداوند است. پاداش عمل انفاق‌گران نزد خداوند محفوظ است. مؤمنان خوف و ترسی از فقر ندارند و نیز از این ناراحت نیستند که با انفاق کردن، مالشان تلف می‌شود؛ چرا که دارایی خود را به امید پاداش چند برابر می‌دهند (امین، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۳۷ / نیز ر.ک. طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۶۸ / حسینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۵۰۰ / قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۴۰ / قشیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۰). برخی از مفسران نداشتن خوف و حزن را مربوط به آخرت دانسته‌اند. البته، این مسلم است که چنین کسی هراسی از آتش دوزخ ندارد؛ زیرا می‌داند خداوند در آخرت جایگاهش را امن گردانده است (رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۷۸).

در سیاق کلمات آیه رفتار عبادی - اجتماعی انفاق از میان دیگر اوصاف مؤمن، گزینش و در آیه جانشین شده و با عبارت ﴿لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ هم‌نشین شده است. گرچه ویژگی انفاق تنها یک صفت است و ممکن است برخی مواقع این صفت در میان افرادی پیدا شود که بسیار نافرمانی خدا را می‌کنند، با این وجود علت جانشین شدن انفاق در سیاق سخن از امنیت، آن است که انفاق در آیه مورد بحث در سیاق استمرار قرار گرفته و انفاق مستمر از ویژگی‌های مؤمنانی است که ایمان آنها در درجات بالا قرار دارد.

محفوظ بودن اجر انفاق‌گران در نزد خدا با امنیت و حزن و اندوه نداشتن ایشان هم‌نشین شده و بر آن پیشی گرفته است. این هم‌نشینی و تقدّم و تأخّر نشان می‌دهد که امنیت روان شخص منفق در دنیا و هراس نداشتن او از فقر و اتلاف مال از این روست که او بر این موضوع واقف است که انفاق او به معنای تباهی و از بین رفتن مالش نیست و اجر و پاداش عملش در نزد پروردگار محفوظ است. بنابراین، باید گفت یکی از برنامه‌های دستیابی به امنیت روانی در زندگی دنیا آن است که آدمی بعد اندیشه خود را در پرتو ایمان به خدا قوی کند و وعده‌هایی را

که پروردگار به آنها می‌دهد باور داشته باشد. این باور قلبی به او کمک می‌کند تا بر مبنای اندیشه توحیدی خود رفتاری مناسب از خود نشان دهد و واجبات و مستحبات خود را بی‌هیچ نگرانی و تشویش خاطر، انجام دهد.

### ۳-۲-۳- جانشینی غفلت و سرگرمی به امور بیهوده در سیاق سلب امنیت درون

﴿أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًىٰ وَهُمْ يَلْعَبُونَ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (اعراف: ۷ / ۹۷-۹۹)؛ «آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان - در حالی که به خواب فرو رفته‌اند - به آنان برسد؟ و آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما نیمروز - در حالی که به بازی سرگرمند - به ایشان در رسد؟ آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند؟ [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند».

سیاق آیات فوق آثار خارجی گناه را بیان می‌کند و این که ایمان و تقوی معیار و مدار نزول نعمت است و بی‌ایمانی و کفر منشأ نعمت و عذاب برای آدمیان است (طباطبائی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۱۹۵ / امین، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۵۶). در مقام انکار و در سیاق استفهام، پرسیده می‌شود که آیا اهل قریه‌ها ایمن هستند از این که عذاب الهی آنان را دربرگیرد در حالی که آنان در خواب به سر می‌برند؟ برای بار دوم، پرسیده می‌شود که آیا اهل آبادی‌ها ایمن هستند از اینکه عذاب خداوند در هنگامی که خورشید در وسط آسمان پهن شده است آنان را فراگیرد در حالی که آنان سخت مشغول امور بیهوده‌اند؟ در پایان در آیه ۹۹، ایمن نبودن از مکر خدا را یادآور می‌شود که جز خسران‌زدگان از آن ایمن نیستند. مقصود از مکر خدا آن است که انسان معصیتی کند که مستحق عذاب شود و خداوند آن شخص را از جایی که گمان نمی‌برد، عذاب کند (طباطبائی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۲۰۱-۲۰۲ / نیز ر.ک. امین، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۲۵۶ / رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۳۲۲). در آیات ۹۷ و ۹۸ اعراف، موانع سلب امنیت درونی انسان‌ها بیان شده است. در سیاق آیه ۹۷، واژه «نوم» جانشین شده است و تفسیر نوم به «غفلت از خدا»، گویای این مطلب است که یکی از موانع پراهمیت و اساسی جذب امنیت الهی، رفتار مبتنی بر پشت کردن به خداست. در ذیل آیه ۹۸، واژه «لعب» به معنای پرداختن به امور بیهوده، جانشین شده است و این بدان معناست که از نگاه قرآن، یک گروه دیگر از انسان‌ها که از عذاب الهی ایمنی ندارند کسانی هستند که در هنگام روز، به کارهای بیهوده مشغولند.

جانشینی «غفلت» و پرداختن به امور بیهوده در سیاق این آیات که سخن از ناامنی از فرود عذاب خدا در دنیا بر انسان است، نشان می‌دهد از نگاه قرآن، راه نجات از ناامنی و قرار گرفتن در سکون و آرامش، دستیابی به یک اندیشه صحیح نسبت به خداست که همان ایمان به اوست. ایمان به خدا باعث می‌شود عمل انسان در راستای اعتقادش، درست و صحیح باشد. از نگاه قرآن، نتیجه این اعتقاد و رفتار صحیح، حصول امنیت برای شخص است، ولیکن چنانچه آدمی اندیشه و عمل خود را اصلاح نکند، باید هر لحظه منتظر رسیدن عذاب خداوند باشد.

#### ۴- ترسیم میدان معنایی امنیت در قرآن

در مقاله حاضر، امنیت کلمه کانونی محسوب می‌شود که با تعدادی کلمه و موضوع دیگر به عنوان میدان معنایی، در ارتباط است. با نگاهی گذرا به آیات منتخب و توجه به عبارات هم‌نشین و سیاق آیات، میدان معنایی این کلمه در قرآن روشن می‌شود. برخی از مهم‌ترین کلمات یا موضوعاتی که با امنیت در ارتباط‌اند به شرح زیر است:

**توحید:** حصول امنیت حقیقی در دنیا و آخرت از نگاه قرآن با ایمان به خدا در درجات بالا و کسب اندیشه توحیدی حاصل می‌شود (انعام: ۸۰-۸۲).

**الله:** «الله» اسم جامع حق تعالی است که معانی همه اسماء دیگر را شامل است و امنیت اولیای الهی در دنیا و آخرت با ایمان و اعتقاد به چنین خدایی حاصل می‌شود (یونس: ۱۰/۶۲).  
**ولی خدا:** ولی خدا از آنجا که خدا را شناخته است و به یگانگی او پی برده است، در عمل، تسلیم اوامر پروردگار است و از هیچ چیزی در این دنیا و در دنیای باقی هراسی ندارد و در امنیت کامل به سر می‌برد (یونس: ۱۰/۶۲).

**تقوی:** تقوی رفتاری است که از پی معرفت راستین، شکل گرفته است. از همین رو، امنیت مطلق در دنیا و در آخرت را به دنبال دارد (حجر: ۴۵-۴۸).

**ایمان:** از نگاه قرآن، ایمان به خدا منجر به رسیدن به امنیت شخص مؤمن در دنیا و در آخرت می‌شود (انعام: ۸۰-۸۲).

**شکر نعمت:** امن و ایمنی، از بالاترین درجات رفاه و آسایش است که شکر نعمت، باعث پایداری آن در دنیا می‌شود (نحل: ۱۶/۱۱۲).

**انفاق:** انفاق به عنوان یک رفتار عبادی و اجتماعی برنامه‌ای برای دستیابی به امنیت انسان در دنیا و در آخرت محسوب می‌شود (بقره: ۲/۲۷۴).

**جان، مال و ناموس:** امنیت به جان و مال و ناموس فرد تعلق گرفته و خاطر نشان شده است که این امنیت ممکن است بر اثر نداشتن اندیشه صحیح نسبت به خدا از بین برود (نحل: ۱۶/۱۱۲).

**خسران:** در مقابل امنیت ناشی از ایمان، فقدان ایمان به خدا، زندگی را از مفاهیم عالی و ارزش‌های شریف انسانی تهی می‌کند و منجر به اضطراب و سرگردانی شخص می‌شود. قرآن مجید از حالت خودباختگی و خسروانی که کافران از آن رنج می‌برند یاد می‌کند و با سوگند خوردن بر آن تأکید می‌ورزد (عصر: ۱۰۳/۱-۳؛ طه: ۱۲۳-۱۲۴). کسانی که گرفتار امنیت کاذب شده‌اند، از دیدگاه قرآن، خسران زده هستند، زیرا با این احساس کاذب، فرصت رشد و کمال خود را در این دنیا از دست می‌دهند و این از دست دادن فرصت مثل آن است که شخص همه سرمایه خود را از دست داده باشد (اعراف: ۷/۹۷-۹۹).

**غفلت:** غفلت از خداوند و بی‌توجهی به آخرت و به فکر آن روز نبودن منجر به دوری از امنیت واقعی و قرار گرفتن در ورطه امنیت کاذب می‌شود (مدثر: ۷۴/۵۳؛ اعراف: ۷/۹۷-۹۹).  
**کفران نعمت:** امنیت و آرامش در رأس نعمت‌ها قرار دارد و از نتایج کفران نعمت، سلب امنیت فرد در دنیا و آخرت است (نحل: ۱۶/۱۱۲).

**شرک:** یک از نتایج شرک، دور شدن از امنیت حقیقی و رسیدن به امنیت کاذب است؛ پس، امنیت واقعی در سایه ایمان و عدالت محقق می‌شود (انعام: ۸۰-۸۲).

**آتش جهنم:** منکر آیات الهی و ایمان نیاوردن به پروردگار و نشانه‌هایش، منجر به افتادن در آتش دوزخ می‌شود و در نتیجه، امنیت شخص در آخرت سلب می‌شود (فصلت: ۴۱/۴۰).  
بنابراین عواملی که امنیت فردی را تأمین می‌کند، عبارتند از: توحید، ایمان، تقوی، شکر نعمت، انفاق. همچنین مسائلی چون غفلت، شرک، کفران نعمت از جمله موانع حصول امنیت و زمینه‌ساز ناامنی هستند و این موانع منجر به خسران و در نتیجه، به آتش درافتادن می‌شود.

### نتیجه‌گیری

۱- برخی از مهمترین کلمات یا موضوع‌هایی که با امنیت در ارتباط است، عبارتند از: توحید، ولی خدا، ایمان، تقوی، انفاق، شکر نعمت، آخرت و ایمان به آن، خسران، غفلت، شرک، کفر نعمت و آتش جهنم. معناشناسی واژگانی و روابط درون متنی، مفهوم امنیت فردی در قرآن را توضیح می‌دهد و چگونگی پیدایش و گسترش آن را نشان می‌دهد.

۲- از جمله عوامل حصول امانیت، هدایت و ایمان به خدای یگانه (انعام: ۸۰-۸۲) و تقوی (حجر: ۱۵/۴۸-۴۵) است؛ ولایت یکی دیگر از این عوامل است (یونس: ۱۰/۶۲)؛ اگر کسی بخواهد خیالی آسوده نسبت به امور دنیا داشته باشد، باید مفهوم امانیت را شناخته باشد. او باید در راستای این شناخت، معرفت راستین به خدا داشته باشد و در عمل، مطیع محض دستورات خدای یگانه باشد. انفاق نیز در این زمره قرار می‌گیرد (بقره: ۲/۲۷۴).

۳- مؤمن باید بر مبنای فهم درست از معنای امانیت، به خدا ایمان داشته باشد و وعده‌های او را باور داشته باشد. این شناخت درست به او کمک می‌کند تا امانیت را در زندگی خود گسترش دهد و واجبات و مستحبات خود را بی‌هیچ نگرانی انجام دهد و به عنوان نمونه، انفاق مستمر داشته باشد.

۴- در آیات قرآن در مقابل حصول امانیت، دوری از امانیت راستین، ذکر و عوامل سلب آن گزارش شده است. هرگاه انسان نسبت به مفهوم امانیت شناخت صحیحی نداشته باشد و حوزه امانیت را در آسایش ناشی از تأمین زندگی دنیا خلاصه کند، هرگز نخواهد توانست در گسترش آن در زندگی خود اقدام کند؛ یکی از این عوامل غفلت است (اعراف: ۷/۹۷)؛ این مانع به دلیل نداشتن شناخت صحیح نسبت به مفهوم امانیت و در نتیجه ایمان نیاوردن به خدا، ایجاد شده است.

۵- کفران نعمت از دیگر عوامل سلب امانیت است (نحل: ۱۱۲/۱۶) که به دنبال شکل نگرفتن معرفت صحیح نسبت به معنای امانیت و ایمان نیاوردن به خدا، به وقوع می‌پیوندد. کفر نیز از جمله موانع امانیت است (مدثر: ۷۴/۵۳)؛ کافران امانیت را در کنار ایمان معنا نکرده‌اند و در مورد چیزی که باید نگران باشند، بیمی ندارند و خود را در ورطه امانیتی قرار داده‌اند که نتیجه‌ای جز خسران به دنبال نخواهد داشت و سرانجام کافران چیزی جز سلب امانیت و افکنده شدن در آتش جهنم نیست (فصلت: ۴۱/۴۰)؛ انکار آیات الهی توسط ملحدان از آنجا نشأت می‌گیرد که امانیت را در تأمین آسایش در دنیا خلاصه کرده‌اند و به خدا ایمان ندارند.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه، محمد مهدی فولادوند، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱. آشوری، داریوش؛ *دانشنامه سیاسی*؛ تهران: سهرودی مروارید، ۱۳۶۶ ش.
  ۲. ابن عربی، محی الدین محمد؛ *تفسیر ابن عربی*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
  ۳. ابن منظور؛ *لسان العرب*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
  ۴. امین، سید نصرت؛ *مخزن العرفان*؛ تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش.
  ۵. ایزوتسو، توشیهیکو؛ *ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی در قرآن*؛ ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: قلم، ۱۳۶۰ ش.
  ۶. \_\_\_\_\_؛ *خدا و انسان در قرآن*؛ ترجمه: احمد آرام، تهران: نشر قلم، ۱۳۶۱ ش.
  ۷. بارت، رولان؛ *عناصر نشانه شناسی*؛ ترجمه: مجید محمدی، تهران: انتشارات بین المللی هدی، ۱۳۷۰ ش.
  ۸. پالم، فرانک؛ *نگاهی تازه به معناشناسی*؛ ترجمه: کورش صفوی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۶ ش.
  ۹. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد؛ *تفسیر اثنا عشری*؛ تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش.
  ۱۰. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ *مفاتیح الغیب*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
  ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات الفاظ قرآن*؛ دمشق: دار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
  ۱۲. سلوی، محمد العوا؛ *بررسی زبان‌شناختی وجوه و نظایر در قرآن*؛ ترجمه: حسین سیدی، مشهد: به‌نشر، ۱۳۸۲ ش.
  ۱۳. شبر، سید عبدالله؛ *تفسیر القرآن الکریم (شبر)*؛ بیروت: دارالبلاغه للطباعة و النشر، ۱۴۱۲ ق.
  ۱۴. شرقاوی، حسن محمد؛ *گامی فراسوی روانشناسی اسلامی*؛ ترجمه: سید محمد باقر حجتی، ج ۴، بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
  ۱۵. شریف لاهیجی، محمد بن علی؛ *تفسیر: تحقیق: میر جلال‌الدین ارموی*، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ ش.
  ۱۶. صفوی، کورش؛ *درآمدی بر معناشناسی*؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
  ۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
  ۱۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان*؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۸ ق.
  ۱۹. طیب، سید عبدالحسین؛ *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
  ۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *العین*؛ قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ق.
  ۲۱. قرائتی، محسن؛ *تفسیر نور*؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
  ۲۲. قشیری، عبدالکریم؛ *لطایف الاشارات*؛ تحقیق: ابراهیم بسیونی، مصر: هیئة المصریة العامّة للکتب، بی‌تا.
  ۲۳. گنابادی، سلطان محمد؛ *بیان السعاده فی مقامات العبادة*؛ ج ۲، بیروت: مؤسسة الاعلمی للطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
  ۲۴. مختار عمر، احمد؛ *معناشناسی*؛ ترجمه: سید حسین سیدی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۵ ش.
  ۲۵. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
  ۲۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*؛ قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب، ۱۴۲۱ ق.
  ۲۷. میبیدی، رشیدالدین؛ *کشف الاسرار و عمدة الابرار*؛ تحقیق: علی‌اصغر حکمت، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱ ش.

۲۸. نجّاقی، محمّدعثمان؛ قرآن و روانشناسی؛ ترجمه: عباس عرب، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ۱۳۶۷ ش.

۲۹. نسفی، نجم‌الدین محمّد؛ تفسیر نسفی؛ تحقیق: دکتر عزیزالله جوینی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۷ ش.

۳۰. واعظ زاده خراسانی، محمّد؛ المعجم فی فقه لغة القرآن و سرّ بلاغته؛ مشهد: آستان قدس، ۱۳۷۹ ش.